



# پیام سندیکا

## پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تارخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران  
شماره ۱۲۰ / سال یازدهم / اسفند ماه ۱۴۰۱ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران

# زندگی انسانی با ۸ ساعت کار حق همه زحمتکشان است





ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۲۰ / سال یازدهم / اسفند ۱۴۰۱ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۹

یکشنبه های اعتراض! ص ۱۹

کارگران در دوران بازنشستگی هم کار می کنند! ص ۲۴

درمان زحمتگشان در سیاست های نتولیرالیسم! ص ۲۶

بدهی دولت به تامین اجتماعی از کجا سرچشمه می گیرد؟ ص ۲۷

تجمع اعضای بازنشسته خانه کارگر! ص ۲۹

اندر حکایت هیات مدیره های بی عرضه کانون ها! ص ۳۰

دومین دیوار بزرگ جهان ص ۳۱

روز پدر در آسایشگاه سالمندان کهریزک کرج ص ۳۳

ما چه می خواهیم! ص ۳۴

جوشکاری و مضرات آن! ص ۳۵

کودک همسری! ص ۳۶

مرگ عروس کوچولوها ص ۳۷

بدانیم، بیاموزیم، بکار ببندیم! ص ۴۰

یقین حسی، امر بیواسطه و کشف معنای هستی ص ۴۱

وظیفه سندیکاهای کارگری ص ۴۲

زندگی مزرعه صلح و صفات! ص ۴۳

منشور حقوق سندیکایی جهانی ص ۴۴

# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس [sfelezkar.com](http://sfelezkar.com) و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

= کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

مراجعه کنید

## ۸ مارس روز جهانی زن، روز نبرد مرگ و زندگی!



اعتصاب کارگران زن نساجی شهر نیویورک در سال ۱۸۵۷ که در اعتراض به شرایط کاری سخت و غیرانسانی با دستمزد کم آغاز شد در حقیقت نبرد مرگ و زندگی بود. نبرد برای روزهای نوین و حقوق انسانی. این نبرد در عرصه های صنفی، سیاسی، فرهنگی مبارزین بسیاری را در خود جای داده است. از کلارا زتکین که برای برابری حقوق زنان و مردان در آمریکا مبارزه می کرد تا صدیقه دولت آبادی که روزنامه «زبان زنان» را در سال ۱۲۹۸ در اصفهان منتشر نمود و این کار بر متعصبان گران افتاد و خانه اش را سنگسار کردند، تا به امروز این نبرد سخت ادامه دارد. زنان ما در همه گره گاههای تاریخ کشورمان در صف نخست همدوش مردان برای حقوقی برابر، زندگی انسانی و کرامتی در خور شخصیت زنان مبارزه کرده اند. فراموش نمی کنیم مهری گیلک پور نماینده اتحادیه کارگران چیت ری را که اولین مهد کودک را در سال ۱۳۲۹ برای زنان باردار و بچه دار کارخانه بنیان نهاد و برای این حرکت کارگری سالها در زندان محمدرضا شاه ماند اما این دستاورد برای همیشه در جامعه ایران ماندگار شد.

امروز هم زنان پای به میدان گذاشته اند تا زندگی انسانی را رقم بزنند. شعار «زن، زندگی، آزادی» دقیقن در راستای همان اهداف کلارا زتکین ها و مهری گیلک پورهاست. زنان و دختران ما در پی زندگی شایسته هستند که یوغ مردسالارانه در آن نباشد. آنان در پی بنیان گذاشتن زندگی روشن و انسانی هستند که در آن با ۸ ساعت کار بتوان زندگی در خور داشت، از آموزش و درمانی برابر و رایگان برخوردار بود. آزادی، این موهبتی که از ابتدای تاریخ تاکنون برایش خون ها ریخته شده در کشور ما تنها برای آقا زاده ها و رانت خواران نباشد.

هرکس بتواند آنچنان که شایسته اوست زندگی کرده و در یک جامعه برابر حقوقی، به آن مرتبه ای که حق اوست دست یابد .

۴۵ سال از روزهایی که پدران و مادران شما برای رهایی از استبداد، مردسالاری، تحقیر زنان و فقر مبارزه کردند، می گذرد. نه تنها این موارد در این سالها زودده نشد بلکه سنگین تر از همیشه بر جامعه تحمیل شد. برادران و خواهران بسیاری بر خاک افتادند تا نه زنان و نه مردان برای لقمه ای نان تحقیر نشوند، در جامعه ای که در آن تبعیض نباشد، زندگی کنند. در این ۴۵ سال تمامی تلاش عقب مانده های فکری این است که دختران و زنان تحقیر شده و در مناسبات سرمایه داری بازیچه ای باشند در دست مردان و به زنان و مردان مبارز بقبولانند که شکست خورده اند و دنیایی جز این وجود ندارد و باید عده ای از همه امتیازات برخوردار باشند و عده ای دیگر در قعر فلاکت زندگی کنند . هنوز خون مهری گیلک پورها و علی امیدها در تارپود نیکا شاکرمی و مهدی کرمی می جوشد. هنوز در اعتصابات کارگری که در معادن و نوب آهن رخ می دهد زنان و مردان همدوش همدیگر خواهان عدالت و آزادی هستند. این ثابت شده است که در جامعه ای که زنان و کودکانش زندگی انسانی نداشته باشند جامعه ای انسانی و پیشرفته نیست. ما هنوز در این نبرد، جانانه ایستاده ایم.

مادران، همسران، خواهران و دختران ما!

در این مبارزه مرگ و زندگی هیچ مرد و زنی تنها نیست چه آنان که در بند هستند و چه ما که در زندانی بزرگتری زندگی می کنیم. هیچ نیرویی نمی تواند اراده ما را بشکند. اتحاد ماست که در هم شکننده میراث شوم سیستم نابرابر سرمایه داری است. کارگران، بازنشستگان، آموزگاران و همه جنبش های صنفی امروز یاری دهنده جنبش آزادیخواهی و عدالت جویانه «زن، زندگی، آزادی» است. مسموم کنندگان دختران ما شکست خوردگان تاریخ اند که دست به خشونت می زنند، چون هراسیده اند.

۸ مارس بر زنان و مردان ایران زمین و مبارزین ضد سرمایه داری شادباش !

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۵ اسفند ۱۴۰۱

## آزادی برای همه کنشگران صنفی!

به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، وضعیت جسمی رضا شهابی از کنشگران سندیکای واحد بسیار وخیم است. به گفته سندیکای برادر « بنا به تشخیص پزشک متخصص معالج، دیسک مهره‌های ۴ و ۵ پاره شده و بایستی تخلیه شود. همچنین دیسک مهره های ۲ و ۳ هم به علت تحت فشار قرار گرفتن احتمال پاره شدنشان وجود دارد. به دلیل این شرایط پزشک معالج برای وی دستور عمل اورژانسی صادر نمود.»

با وجود این اظهار نظر پزشکان متخصص، شهابی همچنان در بند افکار ضد کارگری است که وجود سندیکالیست های فعال را به نفع خود نمی داند. دیگر اعضای سندیکا آقای داوود رضوی و حسن سعیدی نیز مشکلات جسمی دارند. متأسفانه پرونده سازی برای این سندیکالیست های برادر نه اولین و نه آخرین بار است که اتفاق می افتد. در نتیجه وضعیت سلامت این کارگران زندانی به خطر افتاده است.

ما ضمن اعتراض به زندانی بودن این دوستان و دیگر زندانیان صنفی، خواستار آزادی فوری همه این عزیزان از زندان هستیم.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

**۲۰ اسفند ۱۴۰۱**

## افکار مسموم جایی در ایران ندارد!



دو هفته ای است که مدارس دخترانه و به تازگی خوابگاهها و سلف سرویس دانشگاهها، جولانگاه افکار ضد انسانی قرار گرفته که فرزندان ما را مسموم می کنند. این افکار عقب افتاده مسموم زنان را در پستوی خانه و فقط برای لذت جویی می خواهد و هیچ شان انسانی برایشان قایل نیستند. با آنکه مسمومیت دختران در حال گسترش به سراسر ایران است، مسوولین ذیربط هنوز هیچ اقدام موثری برای جلوگیری از این روش کشتار در پیش نگرفته اند. افکار عمومی می پرسد اگر می دانید چه کسانی هستند چرا جلوییشان را نمی گیرید و اگر نمی دانید چه کسانی هستند وای به حالتان. در هر دو صورت شما مقصرید.

در همبستگی با شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان و حمایت از جان فرزندانمان در کنار آموزگارانمان خواهیم ایستاد.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۳ اسفند ۱۴۰۱**

## حداقل دستمزد ۱۴۰۲

با دست دست کردن دولت و کارفرمایان، موضوع حداقل دستمزد با تاخیر اعلام خواهد شد تا کارگران و بازنشستگان نتوانند واکنشی نشان دهند. اعضای کارگری مذاکره کننده هم هر ساله در این دام افتاده و امسال هم اتاق بازرگانی با همدستی مافیای لانه کرده در دولت این بازی را به پیش می برند. شوربختانه هنوز تا این تاریخ مبلغ سبد معیشت هم تصویب نشده است و گروه کارگری فقط به اظهارنظرهای مبهم اکتفا کرده و در این اظهارات مشخص است که آنها هم هنوز نمی دانند چه میزان افزایش را با این گرانی ۳۰۰ درصدی تحمیل شده در تابستان از سوی دولت، باید به میز مذاکره ببرند. البته بازی از پیش تعیین شده گروه کارفرمایی و دولت برای تعیین حداقل دستمزد بیشتر از ۳۰ درصد در نظر نگرفته اند اما سردرگمی گروه کارگری بی تردید بر روند تعیین حداقل دستمزد تأثیر تلخی خواهد گذاشت.

طبق اعلام وزارت کار خط فقر بین ۷ تا ۱۵ میلیون در شهرها و مراکز استان ها متغیر است. اما آیا مجموعه دولت و کارفرمایان خواهند پذیرفت که حداقل دستمزد امسال مبلغی بین ۷ تا ۱۵ میلیون باشد؟ بی تردید خیر.

سالهاست به گروه مذاکره کننده کارگری اعلام کرده ایم که باید قدرت خرید زحمتکشان را بازسازی کرد و نه فقط به ملاک تورم دلخوش نمود.

در سال ۶۳ هر ایرانی بطور متوسط سالانه ۱۷۰ کیلو گوشت قرمز مصرف می کرد که امروز طبق آمار فائو(سازمان غذایی سازمان ملل) امروز در سال ۱۴۰۱ به ۶ کیلو در سال رسیده است. (خبرگزاری ایلنا ۲۳ بهمن ۱۴۰۱). برای آنکه مشخص شود چقدر سفره زحمتکشان کوچک گشته کافی است مقدار گوشت ۱۷۰ کیلویی سالانه سال ۶۳ را امروز برای یک خانواده ۳ نفری محاسبه کنیم تا ببینیم در این سالها چه میزان سفره ما را کوچک کرده اند. اگر ۱۷۰ کیلو گوشت سالانه را ضربدر مبلغ ۴۰۰ هزار تومان قیمت گوشت فعلی کرده و باز هم ضربدر ۳ نفر یک خانوار کنیم و حاصل را هم تقسیم بر ۱۲ ماه بنماییم مبلغ گوشت یک خانواده ۳ نفری ۱۷ میلیون تومان خواهد شد، اگر مصرف سال ۶۳

را ملاک بگیریم. تفاوت فاحش ۶ کیلو گرم گوشت سالانه امروز را هم ضربدر ۳ نفر یک خانوار می کنیم می شود ۱۸ کیلوگرم در سال و اگر تقسیم به ۱۲ ماه کنیم مصرف گوشت یک خانوار می شود ۵/۱ کیلوگرم در ماه به مبلغ ۶۰۰ هزار تومان. ۱۷ میلیون کجا و ۶۰۰ هزار تومان کجا. یعنی ۲۸ برابر سفره یک خانواده کوچک شده است. طی ۳۸ سال دستپخت سیستم سرمایه داری رانتخوار با دست نمایندگانی چون حسن صادقی، علیرضا محبوب، علی ربیعی، سهیلا جلودار زاده این بلا را سر زحمتکشان ایران آورده اند.

این محاسبات نشان می دهد که در زمان تصویب حداقل حقوق هر ساله چگونه سر زحمتکشان با اعلام تورم غیر واقعی کلاه گذاشته می شود. ۵۷ درصد افزایش حداقل حقوق که اعضای مذاکره کننده کارگری سال گذشته آن را یک پیروزی بزرگ می دانستند با افزایش ۳۰۰ درصدی آزاد سازی قیمت ها مانند یک حباب ترکید و خانواده های کارگری فقط با یک دستور در تابستان امسال ۵/۲ برابر قدرت خرید خود را از دست داده اند.

دلار ۲۶ هزار تومانی ۲۸ اسفند سال ۱۴۰۰ امروز به مرز ۴۷ هزار تومان رسیده و تا آخر امسال، ۵۰ هزار تومان را هم رد خواهد کرد و باز هم قدرت خرید زحمتکشان کمتر خواهد گردید.

متأسفانه توازن قوا بین زحمتکشان و اجرا کنندگان سیاست های ضد کارگری نتولیرالیستی به ضرر طبقه کارگر رقم خورده و این گرفتن قدرت خرید از زحمتکشان فقط با سرکوب سندیکاهای کارگری و کوشندگان بازنشستگان و فعالان مدنی و احزاب مترقی امکان پذیر شده است.

تا زمانی که مذاکره کنندگان به طبقه کارگر و سندیکاهای کارگری تکیه نکنند و وظایف نمایندگی خود را در چارچوب زمین بازی مافیای لانه کرده در دولت تعریف کنند، هر ساله بازنده این جلسات خواهند بود و خانواده های کارگری را محکوم به گرسنگی بیشتر خواهند کرد.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۵ بهمن ۱۴۰۱**



## چهره واقعی حقوق بشر کشورهای سرمایه داری!



زلزله کشورهای ایران، ترکیه و سوریه را درنوردید و میزان کمک بین المللی به این کشورها نشانگر ادعای حقوق بشر و نمایان شدن چهره واقعی کشورهای سینه چاک حقوق بشر است.

در حالی که کشورهای اروپایی و آمریکایی تمامی امکانات خود را برای ترکیه گسیل داشته اند اما عدم پوشش خبر و امداد رسانی بین المللی به سوریه، به جز ایران و کمک های ناچیز کشورهای همسایه اش، نشان از تنها ماندن مردم سوریه در این بلای طبیعی است. آمار کشته شده های زلزله در مناطق تحت فرمان دولت سوریه به بیش از ۵ هزار نفر رسیده نه تنها هیچ آمار و خبری از تعداد جانباختگان در مناطق تحت اشغال ترکیه و آمریکا و داعش نیست بلکه از کیفیت امدادرسانی نیز هیچ خبری دریافت نشده است.

سازمان ملل که می بایست بی طرفی را سرلوحه اقداماتش داشته باشد هم به دلیل تحریم سوریه توسط آمریکا و کشورهای اروپایی از کمک های انساندوستانه به این کشور دریغ ورزیده است. تحریم های ضدانسانی غرب علیه کشور سوریه، در این هنگام چهره حقوق بشر مدعیانش را به خوبی آشکار کرده است و این

باعث گردیده تا آمار جانباختگان در سوریه بالا رود. در حال حاضر سوریه به دلیل تحریم ها نمی تواند لودرهای سنگین، جرثقیل های تناژدار را وارد کند تا بتواند به زلزله زدگان مدفون کمک کند. سوریه به جز مواد غذایی به خون، دارو، بیمارستان های صحرایی احتیاجی مبرم دارد که به دلیل تحریم ها از او دریغ می شود.

ماضمن محکوم کردن این رفتار غیرانسانی، یادآور می شویم در زمان رخ دادن بلاایای طبیعی، وظایف انسان دوستی را باید ورای مسایل سیاسی انجام داد و این ربطی به موافقت و مخالفت با حاکمیت آن کشور ندارد.

## سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

### بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی

#### بازنشستگان صنعت چاپ

#### بازنشستگان شهاب خودرو

#### بازنشستگان مستقل قزوین

#### بازنشستگان مستقل رامهرمز

#### بازنشستگان مستقل بابل

۲۳ بهمن ۱۴۰۱

## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

### چرا کارگران ذوب آهن اعتصاب کردند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، یکی از دلایل اعتصاب کارگران، بریز و بپاش‌های مدیران نالایق و عدم توجه به وضعیت کاری و معیشتی کارگران بوده و هست. این در حالی است که مدیران نالایق تا توانسته‌اند سرمایه‌های مالی و انسانی ذوب آهن را از بین برده‌اند.

سالهاست مدیران با بوق و کرنا اعلام می‌کنند بهترین آشپزها و کارشناسان تغذیه ایران را برای پخت غذا به خدمت گرفته‌اند که در این مسیر مافیای مالی و منابع

انسانی شرکت با زد و بند به سودهای نجومی رسیده اند و آب هم از آب تکان نخورده است. بارها کارگران از سرویس دهی غذا به شیفیت ها و کیفیت بد غذا، نارضایتی خود را به مدیریت اعلام کرده اند. در آخرین مورد موضوع کیفیت غذای رستوران توحید است.

کارگران می بینند مدیریت با اختلاس و زد و بند، ثروتی را که آنان با سختکوشی بدست می آورند خرج مدیران بی عرضه و در معرض غارت مافیا قرار می گیرد. در حالی که در خصوص وضعیت معیشتی و درمانی کارگران سهل انگاری می شود. مدیری استخدام می شود تا طبقه بندی مشاغل را به سرانجام برساند اما این مدیر با کنار گذاشتن اطلاعات موجود، کار را از ابتدا آغاز کرده است و حتمن چند سالی این موضوع طول خواهد کشید. کارگرانی که در حال بازنشسته شدن هستند دلخوش به اجرای طبقه بندی مشاغل بودند تا دست پر بازنشستگی شان را طی کنند ولی حالا باید بدون وضعیت مالی مناسب با کارشان خداحافظی کنند.

مافیا و مدیران بی لیاقت سد اصلی در مقابل افزایش حقوق ها هستند.

## ● سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

باید از همین امروز به مبارزه متشکل و مشارکت کارگران در سندیکاها توجه بیشتری کنیم؛ بطور مداوم و پیوسته کار کنیم تا سندیکاهای کارگری و دیگر تشکلهایی که دغدغه بهروزی مردم را دارند، هدایت و راهبری و اشکال دیگر مشارکت را - که به فعال کردن توده‌ها کمک نماید - ایجاد کنیم؛ در محل‌های کار و کارگاه‌های مختلف تمرکز نماییم.

همزمان، سندیکاهای کارگری باید از جنبش سندیکایی بازنشستگان حمایت و آنها را تقویت نماید؛ چرا که دولت‌ها با سیاست‌های خود زندگی روزانه آنها را بسیار سخت و طاقت فرسا نموده‌اند.

حمایت و همکاری از جنبش دانشجویی این کارگران فردا امری طبیعی برای جنبش سندیکایی است.

## گزارش های خبری از پروژه های نفت و گاز

### ۱- ۱۰/۲۰ با مبارزات ما زنده خواهد ماند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت تیام صنعت به پیمانکاری فرهاد کیانپور در پتروپالایش کنگان که در مجاورت کارخانه سیمان قرار دارد با سرپیچی از قوانین کمپین و کم دادن حقوق کارگران، با قلدری قوانین کمپین ۱۰/۲۰ را زیر پا گذاشته است. این پیمانکار از هم اکنون به کارگزارانش اعلام کرده است که تا عید بیشتر کار ندارد و به آنان عیدی هم نخواهد داد. این در حالی است که او در مورد حقوق مصوب کمپین بطور مثال به مونتازکارانش به جای ۲۲ میلیون تومان ۱۷ میلیون می دهد و حق بیمه را هم نه بر اساس دریافتی کارگر بلکه به مبلغ ۷ میلیون ۹۰۰ هزار تومان می پردازد. یعنی به جای ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان حق بیمه مبلغ ۲ میلیون ۳۷۰ هزار تومان می پردازد و در همین یک قلم ۲ میلیون ۷۳۰ هزار تومان هم سر سازمان تامین اجتماعی کلاه می گذارد و هم سر کارگرش که در زمان بازنشستگی از مستمری کمتری برخوردار شود. زمانی به پدرسوخته بازی این افراد می توان پی برد که این مبلغ را ضربدر ۸۰۰ کارگر کرد و مبلغ نجومی که این کلاهبرداری انجام می شود پی برد.

خوابگاههای ۶ نفره را در آن ۸ نفر جا داده است که حتا افسران ایمنی مستقر در این مکان هم از آن ایراد گرفته اند همچنین ساس، سوسک از سر و کله کارگران بالا می رود و تاکنون دو بار کارگران با پول خود سمپاشی کرده اند. تعداد سرویس های بهداشتی برای ۸۰۰ نفر فقط دو ردیف ۸ تایی است و کارگر باید نیم ساعت در صف بماند تا نوبتش شود.

چشمان وزارت کار و بازرسین منطقه کنگان بر این پدرسوخته بازی ها بسته است. بی تردید نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای آقای مازیار گیلانی نژاد این موارد را گزارش و پیگیری خواهد کرد تا پیمانکاران دغلكار را از پروژه ها بیرون کنند

## ۲- توفان اعتصابات کارگری در پروژه ها - پرچم ۱۰/۲۰ همچنان برافراشته است

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا،

۱- در مجتمع گاز پارس جنوبی در طی ۲ ماه اخیر برای سومین بار نمایندگان کارگران پروژه ای با مقامات قضایی بوشهر دیدار داشتند تا وضعیت حقوقی ها و بیمه ها را طبق مقررات کمپین ۱۰/۲۰ سر و سامانی بدهند. در آخرین دیدار نمایندگان کارگران به مقامات قضایی اعلام کردند از اول اسفند برای دستیابی به خواسته های خود دست به اعتصاب می زنند. روز ۲۸ بهمن ۵ تن از نمایندگان کارگران پروژه ای را در مجتمع گاز پارس جنوبی دستگیر کردند که کارگران به محض اطلاع دست به اعتصاب زدند. متأسفانه با دخالت نیروهای امنیتی که به زد و خورد با کارگران منجر شده است تعدادی به زور به سرکار رفته و مابقی هم با کم کاری پاسخ این هجوم را می دهند.

۲- از امروز ۲ اسفند ۲۰۰ کارگران پروژه ای شرکت گاما در ترمینال نفتی جاسک به دلیل واریز نشدن حقوق خود از آذر ماه تاکنون دست به اعتصاب نشسته زده اند.

۳- کارگر پروژه ای شرکت مپنا در آب شیرین کن لیان بوشهر به دلیل عقب افتادن حقوق ماههای آذر، دی، بهمن و واریز نشدن بیمه هایشان از دیروز در اعتصاب به سر می برند.

۴- کارگران پروژه ای پتروشیمی آدیش کنگان که ۳ ماه حقوق نگرفته اند و بیمه هایشان هم واریز نشده با اعلام کارفرما مبنی بر اینکه از عیدی هم خبری نیست از روز یکشنبه دست به اعتصاب زده اند.

در حال حاضر بیش از ۲ هزار کارگر پروژه ای در مناطق مختلف در اعتصاب به سر می برند که با این منوال تعداد اعتصاب ها بیشتر هم خواهد شد.

سندیکای فلزکار مکانیک بارها به کارگران توصیه کرده است که نگذارند حقوق هایشان عقب بیفتد، کاری را که امروز انجام می دهند همان روز اول انجام بدهند تا مقررات کمپین ۱۰/۲۰ که عقب نیافتادن حقوق ها بود اجرایی شود.

### ۳- اخراج در پروژه های نفت و گاز آغاز شده است!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت جهان بین مستقر در پتروشیمی مکران چابهار از چند روز قبل به پیمانکارانش اعلام کرده است که تا آخر بهمن همه کارها باید تعطیل شود و آنها نسبت به دادن گزارش کار و نواقص و کارهای مانده اقدام کنند. در این پتروشیمی بیش از ۲ هزار کارگر پروژه ای در بخش های مختلف از جمله محوطه سازی کار می کنند که بیشتر آنها اخراج گشته اند.

گزارش ها از فاز ۱۴ عسلویه که در آخر بهمن ماه افتتاحیه دارد حاکی است که به همه پیمانکاران از جمله پارس حساس (پیمانکار برق)، ستراب آقای شهبازی، پارسان صنعت آقای مطوری (پایپینگ)، پارس نقش هخامنش آقای عباسی (رنگ و عایق) اعلام شده دست به اخراج کارگران بزنند و کار هایشان را تمام و یا گزارش نواقص کا را به بخش فنی و اداری اعلام کنند. شرکت پایندان به همه پیمانکارانش دستور داده است به سرعت کارگران را به خانه بفرستند.

به همه کارگران اخراج شده مدارک طب کارشان را نداده اند و برای تسویه حساب هم روز مشخصی را اعلام نکرده اند.

طبق پیش بینی کارشناسان سندیکایی مستقر در پروژه ها حداقل ۵ هزار کارگر در یک ماه مانده به عید به این طریق روانه خانه شده اند اینکه مدارک طب کار کارگران نزد کارفرما مانده، امکان بازگشت آنها به سرکار بعد از عید را پیمانکاران وعده داده اند. این ترفندی است تا کارگران به دنبال تسویه حساب خود برنیایند و پیمانکاران هم با خیالی آسوده فکر پرداخت دستمزدها را به این زودی ها در سر نداشته باشند

#### ۴- ما را از این بردگی نجات دهید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نامه ای از سوی کارگران پتروپالایش به سندیکا رسیده است که ما آن را نقل می کنیم. هر چند که قبلن در مورد شرایط کارگران پروژه ای مستقر در پتروپالایش کنگان خبر داده بودیم. نامه چنین است:

«کلیه پیمانکاری های پتروپالایش ۶/۲۴ را در مورد کارگران خود اعمال کرده اند از جمله شرکت ناورود، پرهون طرح، ره گستر، آسفالت طوس، شرکت جهادگران ریگ. این شرکت ها با پیمانکارانی نابکاری چون داریوش سلحشور و کیانپور دست به نقض مقررات کمپین ۱۰/۲۰ زده اند. حقوق ها هر ۳ ماه یکبار گردیده است و هر اعتراضی را با اخراج جواب می دهند. سرویس ها بدون کولر و خوابگاهها پر از حشرات و با تعداد ۸ نفر که باید ۶ نفره باشد و غذا هم قابل خوردن نبوده و از میوه هم خبری نیست. سهمیه شیر کارگران رنگ و عایق را هم نمی دهند. این موارد را افسران ایمنی هم گزارش کرده اند.

برای آنکه شرایط را جهنمی تر کنند هر قالب بندی را تبدیل به پیمانکار کوچک می کنند تا حق خوری بیشتر شود. شرکت جهادگران ریگ به تازگی ۶۰ نفر کارگر ایرانی سویل کار را اخراج کرده و به جایش کارگر افغانی آورده است



تا سود بیشتری ببرد. این پیمانکاری ها نه تنها از این کارگران افغانی امتحان مهارت فنی نگرفته اند بلکه این افراد بدون گیت پاس وارد محل کار می شوند. برای این کارگران بدبخت حتا خانه کارگری هم نگرفته اند و اینها با هزینه خود در دهات اطراف خانه گرفته اند. بیمه ندارند و با هزینه خود رفت و آمد به محل کار می کنند.»

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ضمن دادن هشدار به این پیمانکاران حق خور اعلام می کند این گزارش را برای پیگیری برای آقای مازیار گیلانی نژاد نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای می فرستد.

اما کارگران باید بخواهند به این بردگی پایان دهند و سندیکا هم کمکشان خواهد کرد. به نظر ما بهتر است دوستان همه رشته ها دست به دست هم بدهند و با نرفتن به سرکار، دست جمعی به اداره کار کنگان رفته و اعتراض کنند و ما هم پیگیر کارشان در تهران باشیم.

کارگر متحد کارگر زنده باد کمپین ۱۰/۲۰

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:**

مقابله با سیاست‌های ویرانگر و ضدکارگری صرفاً با مبارزه‌ی متحد کارگران در سندیکاهای کارگری و در راستای تأمین نیازهای بی‌درنگ زحمتکشان و به ضد سیاست آزادسازی اقتصادی ممکن خواهد شد. سازمان‌دهی چنین مبارزه‌یی، فقط با متحد شدن در سندیکاهای کارگری و ایجاد سندیکا در کارگاهها و کارخانه‌ها ممکن خواهد بود.

## تظاهر به حمایت از توانمندی های بومی در شرکت ملی صنایع مس ایران



به بهانه ی سومین نمایشگاه توانمندی ها و نیازمندی های مجتمع مس سرچشمه رفسنجان

در ماهی که گذشت، در پایان زمستان ۱۴۰۱، سومین نمایشگاه توانمندی های منطقه ای مجتمع مس سرچشمه برگزار شد. مبنای این نمایش، معرفی شرکت مس بود به عنوان حامی صنعتگران و تولید کنندگان منطقه ای. برخی سازندگان و تولید کنندگان از منطقه در این نمایشگاه غرفه هایی با ارائه ی نمونه های موفقیت های شان تشکیل داده بودند. فضای نمایشگاه در دانشگاه ولی عصر رفسنجان به عنوان یک محیط علمی و نه صنعتی، ظاهراً شروع صحنه سازی این نمایش بود. اینجا خبری از صنعت و یک فضای صنعتی نیست. تنها دکورهای درگاه ورودی و بنرهای پر زرق و برق، نورپردازی خیره کننده و صفحه نمایش هایی که فتوحات این غول سرمایه را در مقابل تولیدکنندگان کوچک در قالب فیلم نشان می دادند، به چشم می آمدند. رنگ غالب نارنجی مسین در کف و حاشیه ی دیوارها و پرچم ها، نمایش انحصاری و تام و تمام این کارفرمای کم توجه به صنعت بومی را بازنمایی می کرد.

غرفه‌ی مرکزی با پیشخوان‌های باز و لباس‌های مدیریتی رنگ از معاونت مهندسی مجتمع مس سرچشمه در مرکز نمایشگاه، از هر نقطه‌ای دیده می‌شد. ظاهراً به هیچ ترتیبی نمی‌شد کم‌توجهی ارباب سرمایه را نسبت به زحمتکشان صنعتگر بومی نادیده گرفت. حتی اگر ظاهر این نمایش، معرفی همین صنعتگران پرتلاش بوده باشد. طی مصاحبه‌های انجام شده از طرف گزارشگر پیام سندیکا با شرکت‌های نسبتاً کوچک دعوت شده به این نمایشگاه، پرده از بی‌توجهی‌های شرکت مس به صنعتگران بومی برداشته شد. برون‌سپاری کار به این شرکت‌های پرتوان و کم‌بینه از نظر مالی فقط در حد همین نمایش است. فرصتی حتی برای رقابت به شرکت‌های کوچک داده نمی‌شود. پروپوزال‌های عظیمی که شرکت‌های کوچک تهیه می‌کنند و طرح را به تولید نمونه‌های موفق می‌رسانند؛ و ناگهان طی فرآیندی نامعلوم، تولید انبوه از این شرکت‌ها گرفته شده و به تولیدکنندگان بزرگتر و غیر بومی سپرده می‌شوند.

به تائید همین صنعتگران کوچکتر، ظاهراً هیچ دلیلی جز زد و بندهای سازمانی و پشتوانه‌ی کم‌مالی این صنعتگران کوچک برای حذف‌شان وجود ندارد. نمونه‌های متعددی از این مکانیزم آلوده در گفت و شنود‌های ما وجود داشت. کسانی که با ساختار داخلی پروژه‌های شرکت مس آشنایی بیشتری دارند می‌دانند که چندین شرکت شبه دولتی اقماری در اینجا وجود دارند، اسامی‌ای مثل شرکت‌های «سرمایه‌گذاری»، «نیپک»، «فناوران پارسیان» و از این دست... عمدتاً اینها به شکلی شبه دولتی و با ساختاری سخت و صلب اداره می‌شوند؛ ولی تمام پروژه‌های مهم شرکت مس در درجه‌ی اول متعلق به همین شرکت‌هاست. در همه‌ی زمان‌ها این شرکت‌ها تعداد زیادی از آبر پروژه‌های مس را با عناوین مختلف پیمانکار و مشاور، تسخیر می‌کنند. عجیب است که عمدتاً پروژه‌های این شرکت‌ها با سال‌ها تاخیر به فرجام می‌رسند و انواع و اقسام دوباره کاری‌ها و ترک تشریفات‌ها و الحاقیه‌های مالی را به پروژه‌ها شان تحمیل می‌کنند. مجموعه‌ی مدیریت این شرکت‌ها تشکیل شده از مدیران دولتی بازنشسته‌ی خود شرکت مس و یا سفارشات سفت و سختی از جانب سازمان‌های نظامی! ظاهراً همه چیز موجه است؛ ولی در باطن، سالهاست که وضع به همین منوال معیوب اداره می‌شود. حال، صنعتگران کوچک و خلاق ما در بین این ساز و کار آلوده، مدتهاست که عملاً حذف می‌شوند و یا به شکل دست دوم فقط در حدی

کار دارند که زنده بمانند و هر روز کوچک و کوچکتر شوند و نمایشگاه های این چینی صرفاً نمایش کم رنگی ست از لاپوشانی یک پشت پرده ی ناعادلانه! می توان اشاره کرد که کم توجهی به این صنایع کوچک و عمدتاً نوپا تبعات زیان باری را با خود به همراه خواهد آورد. بدین معنا که عدم توجه به این مهم، امکان افزایش میزان اشتغال نیروی انسانی در منطقه را از بین خواهد بُرد؛ گردش مالی و افزایش نقدینگی در منطقه کاهش خواهد یافت و امکان ایجاد مجموعه های بومی با ظرفیت تولید بالا در آینده را از منطقه خواهد گرفت که هر یک از این عوامل، معضلات بزرگتری همچون توسعه ی فقر و بیکاری، زایل شدن استعداد های قابل رشد بومی، افزایش مهاجرت های غیر ضروری به منطقه و ... را در آینده با خود به همراه خواهند آورد.

## گزارشگر پیام سندیکا – مجتمع مس سرچشمه

باران میبارید...

کودک نگاهی به سوراخ کفشش انداخت. لبخندی زد.

سرش را رو به آسمان کرد و گفت:

خدایا گریه نکن، امشب میدوزم.

## یکشنبه های اعتراض!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در یک هماهنگی قبلی بازنشستگان شهرهای شوش، شوشتر، کرمانشاه، اهواز، بابل، در مقابل ادارات کل تامین اجتماعی و در تهران در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند.

تجمعات در شهرهای مختلف در اعتراض به عیدی های حقیرانه، بیمه های تکمیلی غیر واقعی، مستمری های ناچیز، و خلف وعده های دولت و وزیرکار در خصوص عدم برگزاری جلسات شورای عالی دستمزد و اعتراض به مجلس در رابطه با گنجاندن ۷۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولت در بودجه به جای ۱۸۰ هزار میلیارد تومان، برگزار شد.

تجمع اعتراضی همزمان بازنشستگان متحد مستقل تامین اجتماعی تهران (بافنده سوزنی، فلزکار مکانیک، صنعت چاپ، شهاب خودرو، فیلکو) برای عدم دریافت حقوق شایسته و عیدی حقیرانه و عدم برگزاری جلسه شورای عالی کار و دیده

نشدن بدهی های دولت به تامین اجتماعی که خواستار عدم واگذاری بانک رفاه که خصوصی و بین النسلی است و برای بازنشستگان و بیمه پردازان تامین اجتماعی میباشد، در مقابل سازمان برنامه و بودجه به عنوان اعتراض حضور پیدا کردند.

شعارها: «دستهای آلوده از بانک رفاه کوتاه باید گردد» «این عیدی حقان این نبود» «معیشت شایسته... حق مسلم ماست...» «بدهی های دولت به سازمان در بودجه ۱۴۰۲ باید منظور گردیده و پرداخت شود» «تا بودجه واریز نشه... هر روز همین بساطه...» «وعده ها رو شنیدیم... عمل کردن ندیدیم...»



## یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در یک هماهنگی قبلی بازنشستگان شهرهای شوش، شوشتر، کرمانشاه، اهواز، بابل، در مقابل ادارت کل تامین اجتماعی و در تهران در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند.

تجمعات در شهرهای مختلف در اعتراض به عیدی های حقیرانه، بیمه های تکمیلی غیر واقعی، مستمری های ناچیز، و خلف وعده های دولت و وزیرکار

در خصوص عدم برگزاری جلسات شورای عالی دستمزد و اعتراض به مجلس در رابطه با گنجاندن ۷۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولت در بودجه به جای ۱۸۰ هزار میلیارد تومان، برگزار شد.

تجمع اعتراضی همزمان بازنشستگان متحد مستقل تامین اجتماعی تهران (بافنده سوزنی، فلزکارمکانیک، صنعت چاپ، شهاب خودرو، فیلکو) برای عدم دریافت حقوق شایسته و عیدی حقیرانه و عدم برگزاری جلسه شورای عالی کار و دیده نشدن بدهی های دولت به تامین اجتماعی که خواستار عدم واگذاری بانک رفاه که خصوصی و بین النسلی است و برای بازنشستگان و بیمه پردازان تامین اجتماعی میباشد، در مقابل سازمان برنامه و بودجه به عنوان اعتراض حضور پیدا کردند. شعارها: «دستهای آلوده از بانک رفاه کوتاه باید گردد» «این عیدی حقمان این نبود» «معیشت شایسته...حق مسلم ماست...» «بدهی های دولت به سازمان در بودجه ۱۴۰۲ باید منظور گردیده و پرداخت شود» «تا بودجه و اریز نشه...هر روز همین بساطه...» «و عده ها رو شنیدیم...عمل کردن ندیدیم...»

### یکشنبه های اعتراض!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، طبق روال همه هفته باننشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اصفهان، شوشتر، شوش، کرمانشاه، کرمان و تهران تجمع داشتند. بازنشستگان که از بی عرضگی هیات مدیره های کانون های خود خشمگین هستند و این کانون ها در راستای آنچه حاکمیت دیکته می کند عمل می کنند و در حقیقت ترمزی در راه رسیدن به حقوق بازنشستگان گردیده اند. بازنشستگان در تجمعات خود شعارهای: «گرانی تورم بالای جان مردم - نه مجلس نه دولت نیستند به فکر مردم - اجرای همسان سازی حق مسلم ماست - یخچال بازنشسته خالی تر از گذشته - دستهای آلوده از بانک رفاه کوتاه» را سر دادند.

در تهران امروز یکشنبه ۲۱ اسفند مطابق همه یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان متحد مستقل از ساعت ۱۰ صبح در مقابل کانون بازنشستگان تهران با در دست داشتن پلاکاردهایی که خواسته های شان روی آنها قید شده بود، ایستاده بودیم و رهگذرانی که برای رفع مشکلات خود به کانون مراجعه میکردند، با تعجب به نوشته های روی پلاکاردها خیره شده و آن را می خواندند. بعضی با تعجب سوال میکردند، این یعنی چی؟ که در جواب می شنید خیلی واضح هستش. یعنی ما ریالی حقوق میگیریم، اما دلاری خرج میکنیم. نمونه اش گوشت کیلویی پانصد هزار تومان که در اروپا و آمریکا از اینجا ارزان تر است. ما مطالبه گر هستیم و معترض، معترض به پولی شدن دارو در بیمارستان های ملکی، معترض به نبودن حقوق طبق تورم، معترض به عیدی حقیرانه... یکی از بازنشستگان گفت: «با حق همسر و حق اولاد عیدی کامل دو نیم میلیون گرفتم و پانصد هزار تومان هم روی آن گذاشتم دادم به دخترم. که گفت بابا با این سه تومان من چی بگیرم؟ گفتم بابا اینه دیگه، چکار کنم» بازنشسته دیگر که صدایی رسا داشت، با لهجه آذری به حالت خشم داد میزد و به نوشته ها نگاه میکرد، که: «آقا این فایده داره؟» که دوستان بازنشسته گفتند: «اگه فایده نداشت که اینجا نمی ایستادم. شما هم هر یکشنبه بیایید اینجا، فایده اش را حتمن می بینید» که یک پلاکاردر دستش گرفت و در کنار معترضان ایستاد. آقای مجیدی به عنوان عضوی از هیئت مدیره با آن حالت ظاهری اش که نشان میداد خودش را میخورد، دائم میامد بیرون کنار معترضان و هی می رفت داخل و چیزی هم نمی توانست بگوید.

یکی از بازنشستگان می گفت: «رفتم کلینیک ابوریحان دکتر معالجم از من پنج میلیون خواسته برای سیستم سکوی که چون آنجا نداره، بروم و در مطبش انجام دهد!» در جواب یکی از معترضان به ایشان گفت: «همین حرف ها را بیا برو در خیابان دانشگاه خبرگزاری کار، ایلنا بگو تا بفهمند یک بازنشسته با چه مشکلاتی درگیر هستش و چرا نباید صفر تا صد درمان رایگان باشد؟» که یکی



دیگه از معترضان گفت: « بیا همین دردت رو برو به این آقای مجیدی بگو... عضو هیات مدیره کانون هستش... باید بفهمه مشکل شما چیه؟... » که مجیدی هم حرفی برای گفتن نداشت.

بازنشستگان گرمی اگر در خانه بنشینیم خواهیم باحت و هر روز زندگیمان بدتر از امروز خواهد بود.



آبراهام لینکلن (ریس جمهور سابق آمریکا) :

اگر جنگی در بگیرد، هیچ رهبری در آن کشته نخواهد شد .  
 اگر اقتصاد کشوری فرو پاشد،  
 رهبر آن ورشکسته نخواهد شد و هیچ کس کاخ رهبر را مصادره نخواهد کرد .  
 اگر کشوری به ورطه قحطی و تورم شدید بیفتد، رهبر از فکر گرسنگی زن و بچه اش دیوانه نخواهد شد .  
 رهبران از راه انداختن هیچ دعوی ترس ندارند، چون کتک ها را کسان دیگری می خورند

## مصاحبه مازیار گیلانی نژاد با خبرگزاری ایلنا در رابطه موضوع بازنشستگان – کارگران در دوران بازنشستگی هم کار می‌کنند!



به گزارش خبرنگار ایلنا، مدیران سازمان تأمین اجتماعی بارها در مصاحبه‌هایشان اعلام کرده‌اند که چنانچه اصلاحاتی در صندوق بازنشستگی اتفاق نیفتاد، این صندوق دچار بحران شده و برای اجرای تعهدات خود در آینده با مشکل مواجه خواهد شد. آن‌ها افزایش سن امید به زندگی و به تبع آن، افزایش مستمری‌بگیران و در مقابل کاهش ورودی‌های صندوق‌ها را تهدیدی برای صندوق‌های بازنشستگی می‌دانند و برای حل این بحران به دنبال افزایش سن بازنشستگی هستند. افزایش سن بازنشستگی در حالی به عنوان مهم‌ترین راه‌حل از سوی دولت و مدیران مطرح می‌شود که بدهی دولت به این صندوق چیزی حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان است.

مازیار گیلانی نژاد (فعال کارگری) در انتقاد از تأکید دولت و سازمان تأمین اجتماعی بر افزایش سن بازنشستگی گفت: طرفداران افزایش سن بازنشستگی، افزایش سن امید به زندگی را مهم‌ترین دلیل ضرورت انجام این کار می‌دانند که این تصمیم محل مناقشه‌ی بسیار دارد. اولین نکته این است که این آمار، سراسری است و معیارهای متفاوتی را دربرمی‌گیرد، بنابراین نمی‌توان افزایش سن امید به زندگی را مساوی با افزایش سن امید به زندگی کارگران دانست. اگر قرار است این مؤلفه مد نظر قرار بگیرد باید در ابتدا سن امید به زندگی را در طبقه‌ی کارگر اندازه گرفت و بعد به سراغ تصمیم‌گیری بر مبنای آن رفت. سازمان تأمین اجتماعی باید آمار دقیقی در این مورد ارائه بدهد و بگوید که افراد بعد از بازنشستگی چند سال عمر می‌کنند؟ با توجه به دشواری زندگی کارگران به نظر نمی‌رسد سن امید به زندگی در این طبقه تغییر محسوسی داشته باشد.

این فعال کارگری به حوادث بالای کار در کشور اشاره کرد و گفت: دومین موضوع این است که در تصمیماتی که می‌گیرند و آماري که در مورد افزایش سن امید به زندگی ارائه می‌دهند، میزان بالای حوادث کار لحاظ نشده است. طبق آمار رسمی طی یک سال ۷۰۰ تا ۸۰۰ مورد حادثه کار منجر به مرگ داریم، یعنی در روز دو کارگر بر اثر حادثه کار می‌میرند؛ آیا اینها لحاظ می‌شود؟

وی به وضعیت کارگران مشاغل سخت و زیان‌آور اشاره کرد و افزود: تأمین اجتماعی آماری از میانگین عمر کارگران سخت و زیان‌آور ارائه بدهد و بگوید این کارگران بعد از بازنشستگی چند سال عمر می‌کنند؟ کارگران مشاغل سخت و زیان‌آور به دلیل فضای کار بسیار نامناسب اگر به بازنشستگی برسند، با انواع و اقسام بیماری‌ها طرف هستند و خیلی از آنها عمر طولانی‌ای ندارند. به طور مثال، اکثر کارگران ذوب آهن و کارگرانی که پای کوره‌ها کار می‌کنند دچار سرطان می‌شوند. اغلب کارگرانی که در کوره کار می‌کنند بدون مو هستند و با مشکلاتی چون سرطان پوست مواجه می‌شوند. آیا سازمان تأمین اجتماعی چنین مشکلاتی را می‌بیند و یا می‌تواند آماری از میزان عمر این کارگران بعد از بازنشستگی ارائه بدهد. در کنار این مشکلات باید به وضعیت کارگران قرارداد موقت، پروژه‌ای، شرکتی و سفید امضا نیز اشاره کرد. از آنجا که دست کارفرمایان برای ناقص رد کردن بیمه‌ی کارگران باز است و کارگران هم نمی‌توانند اعتراض کنند، در نتیجه خیلی از کارگران حتی تا ۶۰ سالگی هم سابقه‌ی بیمه‌شان تکمیل نمی‌شود. وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی نظارت درستی بر وضعیت کارگاه‌ها ندارند و با توجه به اینکه کارگران هیچ قدرتی ندارند، حقیقت در طول دوران کار ضایع می‌شود. این وضعیت کارگران ماست و در عجبم که چگونه می‌توانند کارگران کشور را با کارگران کشوری مثل فرانسه مقایسه کنند.

این فعال کارگری به حقوق پایین کارگران اشاره کرد و گفت: دستمزد کارگران در ایران به قدری پایین است که حتی نمی‌توان با آن حداقلی‌ترین نیازهای زندگی را تأمین کرد. کارگران در اینجا با حقوق کم زندگی می‌کنند و با حقوق کم بازنشست می‌شوند و حتی بعد از بازنشستگی هم برای تأمین نیازهای خود باید کار کنند. خیلی از کارگران اضافه کار اجباری انجام می‌دهند؛ این اضافه کار چه از سر اجبار کارفرما باشد و چه جبر زندگی، در هر صورت کارگران را دچار بیماری می‌کند. کارگری که بعد از دو شیفت کار آخر شب به خانه می‌رود دیگر رمقی برای حضور در کنار خانواده‌ی خود ندارد. اینها موارد بسیار مهمی است که باید به آن توجه شود. نمی‌توان به صرف اینکه سازمان تأمین اجتماعی در معرض ورشکستگی است و نمی‌تواند به تعهدات خود پایبند باشد، فشار مضاعفی بر کارگران وارد کرد.

## درمان زحمتکشان در سیاست های نئولیبرالیسم!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بعد از پولی شدن دارو در بیمارستان های ملکی تامین اجتماعی از جمله بیمارستان میلاد تهران و البرز کرج، شاهد دادن داروهایی با تاریخ انقضای کم به زحمتکشان هستیم. این داروها که کمتر از ۲ ماه تاریخ مصرف دارند در بیمارستان ها و درمانگاههای تامین اجتماعی به بیماران داده می شود. این داروهای خریداری شده به دلیل تاریخ انقضای کم با قیمت های نازل به تامین اجتماعی فروخته می شود.

از سوی دیگر در بیمارستان های ملکی تامین اجتماعی در قزوین شاهد پزشکان سوریه ای که در حال گذراندن طرح خود هستند می باشیم. این در حالی است که متخصصان و پزشکان مجرب نه تنها دیگر با تامین اجتماعی همکاری نمی کنند بلکه با بدقولی های پولی و ندادن حق ویزیت این پزشکان در دو سال اخیر شاهد مهاجرت تعداد کثیری از این پزشکان و پرستاران به کشورهای حاشیه خلیج فارس و یا اروپا و آمریکا هستیم.

نئولیبرالیسم یعنی پول ۳۰ سال درمانت را غارت می کند و به جای درمان درست و حسابی با کم دادن دارو و یا داروهای تاریخ مصرف کم و پزشکان بی تجربه سلامتت را دچار مخاطره خواهیم کرد

## ۱. بدهی دولت به تامین اجتماعی از کجا سرچشمه می گیرد؟

بسیار شنیده ایم که دولت به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است اما نمی دانیم چرا؟ دولت به دلیل عمل نکردن به تعهداتش به سازمان تامین اجتماعی سالیانه به عنوان بزرگترین بدهکار تامین اجتماعی شناخته شده است. این بدهی ها اینگونه ایجاد شده است:

۱ - دولت متعهد است حق بیمه کارگاههای زیر ۵ نفر را که تعدادشان ۱ میلیون ۳۰۰ هزار نفر بود را به تامین اجتماعی پرداخت کند، که نمی کند.

۲ - با بازنشسته کردن اجباری کارگران کارخانه هایی که بر طبق ماده ۱۰ نوسازی صنایع جهت بهسازی محیط زیست تعطیل و دست به اخراج کارگران خود می زنند، دولت متعهد شده است که ۵ سال حق بیمه آنان را بدهد تا بازنشسته شوند، که نمی دهد.

۳ - ۷۶۰ هزار رانندگان تاکسی که با ۱۳/۵ درصد پرداخت حق بیمه در سازمان تامین اجتماعی شناخته می شوند، دولت می بایست ۱۳/۵ درصد باقی مانده حق بیمه این رانندگان را به سازمان پرداخت کند، که نمی کند.

۴ - دولت ۲۶ گروه میهمان ناخوانده را بر سر سفره تامین اجتماعی تحمیل کرده است از جمله هنرمندان، روحانیون، خادمین مساجد، گروههای صنایع دستی، زنبورداران... که پرداخت حق بیمه شان باید توسط دولت صورت گیرد، که نمی گیرد.

۵ - ۷ درصد حق بیمه اسیران جنگ ایران و عراق که دولت متعهد شده واریز کند، که نمی کند.

۶ - ۳٪ □ مطالبه تامین اجتماعی از سال ۱۳۵۴ (دولت هویدا که در خزانه دولت مانده بود) که بر عهده دولت بوده و هر سال آن را به سال دیگر موکول می کند.

۷ - حق بیمه کارمندان دولتی که به زور توسط دولت به تامین اجتماعی آورده شده اند هنوز پرداخت نگردیده است.

۸ - حق بیمه کارگران و کارمندان شرکت های دولتی چون مخابرات، برق منطقه ای ... که دولت باید به تامین اجتماعی پرداخت کند.

۹- مبلغ خرید کارخانه های سودده که دولت از تامین اجتماعی با قیمت پایین خریداری کرده ولی تاکنون پرداخت نکرده است از جمله کارخانه تولید سانی فوژ تسا در شهرهای کرج و اشترجان اصفهان و شهرهای دیگر

۱۰- در زمان کرونا هزینه درمان بیماران غیر تامین اجتماعی بستری در بیمارستان های تامین اجتماعی که پرداخت نشده است.

۱۱- بدهی وزارت بهداشت به تامین اجتماعی در پرداخت سرانه درمان بیمه شدگان تامین اجتماعی (طرح تحول بیمه سلامت)

۱۲- خرید ۲۹ بیمارستان از تامین اجتماعی که پولش داده نشده است.

۱۳- وام های دریافتی (۳ میلیارد تومان) در زمان جنگ از بانک رفاه کارگران، که پرداخت نگردیده است.

اینها تنها بخش کوچکی از ۶۷ مورد بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی است. طبق ماده ۲۲ آیین دادرسی مدنی، بدهی دولت به تامین اجتماعی می بایست به روز محاسبه شود و سود مرکب به آن تعلق می گیرد. طبق محاسبه کارشناسان بازنشستگان مستقل تا روز نگارش این مطلب دولت مبلغی نزدیک به ۶۰۰ هزار میلیارد تومان (۶۰۰ همت) به تامین اجتماعی و یا دقیق تر به کارگران و بازنشستگان تامین اجتماعی بدهکار است که از پرداخت آن شانه خالی می کند و در بودجه سال ۱۴۰۲ هم به جای ۲۰۰ هزار میلیارد تومان فقط ۵۶ هزار میلیارد را تقبل کرده است که معلوم نیست پرداخت شود یا نه. که اگر قرار به پرداخت باشد باز هم به جایش کارخانه های ورشکسته را به تامین اجتماعی تحویل خواهد کرد آن هم با قیمت های نجومی.

اگر کارگران و بازنشستگان به خود نیابند بی تردید دولت این بدهی را به تامین اجتماعی پرداخت نخواهد کرد و همان گونه که بانک رفاه را که اندوخته و پس انداز کارگران است را به ناحق صاحب شده است این پول را هم به جیب خواهد زد. با این روند بازنشستگان در سالهای پیش رو مستمری هایشان با مشکل روبرو خواهد شد و در نهایت پولی در بساط تامین اجتماعی نخواهد ماند که مستمری بازنشستگان را پرداخت کند و یا به درمانشان بپردازد که از این ماه با تاخیر مستمری ها را پرداخت می کند.

هیات تحریریه پیام سندیکا

## تجمع اعضای بازنشسته خانه کارگر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نزدیک به ۱۵۰ نفر از بازنشستگان خانه کارگر موسوم به «اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری» امروز ۲۶ بهمن در مقابل مجلس تجمع کردند. آنان آمده بودند تا سهم سازمان تامین اجتماعی در بودجه سال ۱۴۰۲ را خواستار شوند. همین‌که به دنبال ۲۵ درصد همسان سازی باقیمانده بودند، نه به دنبال افزایش مستمری‌ها، نه اعتراض به عیدی حقیرانه ۱ میلیون ۸۰۰ هزار تومانی، نه پولی شدن داروها در مراکز ملکی تامین اجتماعی از جمله بیمارستان میلاد و نه از دست دادن بانک رفاه. آقایان حسن صادقی، علیرضا حیدری لیبرهای این مثلن تجمع اعتراضی بودند.

این تجمع که به صورت چراغ خاموش توسط حسن صادقی سازمان داده شده را حتی اعضای ساده و کم سابقه هم نمی دانستند در حقیقت فقط به اعضای بسیار بسیار مطمئن خبر داده شده بود که در آن شرکت کنند. خانه کارگر و به ویژه حسن صادقی که به شدت زیر فشار بازنشستگان هستند و ناکارآمدی شان آشکار شده است با این نمایش به دنبال کسب حیثیت و خودی نشان دادن بودند. اینها از ترس اینکه مبادا بازنشستگان مستقل هم با اطلاع از این تجمع به میدان آمده و بازی نمایشی آنان را برهم زدند، برای اولین بار در عمرشان یک تجمع بدون مجوز و اطلاع پلیس امنیت ترتیب دادند. البته در این تجمع پلیس امنیت مثلن می خواست حسن صادقی و علیرضا حیدری را دستگیر کند!!! که نتوانستند.

حال و روز امروز بازنشستگان دستپخت فریبکاری‌ها، زد و بندهای آقایان صادقی، محجوب، ربیعی، سهیلا جلودارزاده و در یک کلام خانه کارگر است. اینان همان کسانی هستند که در مقام نماینده کارگر از دهه شصت تمامی دستاوردهای طبقه کارگر را به باد داده اند از جمله حق اعتصاب، داشتن سندیکا، عدم اخراج کارگران فعال، چانه زنی‌های دستجمعی. حمله به خانه کارگر در سال ۱۳۵۹ و سر و دست شکاندن کارگران سندیکایی، حمله با چوب و چماق به سندیکای کارگران نانوا و مضروب کردن سندیکالیست‌های هیات موسسان در سال ۱۳۸۴ گوشه‌ای کوچک از فعالیت‌های کارگری!!! خانه کارگری هاست.

البته این تجمع بی دلیل نیست چرا که ریزش اعضای بازنشسته خانه کارگری و آمدن به سمت بازنشستگان مستقل سالهاست آغاز شده است. در حالی که بازنشستگان مستقل با جمع آوری ۲۶۰۰ امضا به فروش بانک رفاه اعتراض کردند حسن صادقی ها فقط سخنرانی های آتشین!!! کردند.

عالیجنابان خانه کارگری، عمر نمایشات شما مدتهاست تمام شده است. روزهایی که درد به در به دنبال خرید کارخانه و گاوداری ها و خانه های متروکه به قیمت های بسیار ارزان بودید فکر امروز را نمی کردید. با این نمایشات، رانتخواری و خیانت های شما کارگر فروشان فراموش نخواهد شد

## اندر حکایت هیات مدیره های بی عرضه کانون ها!

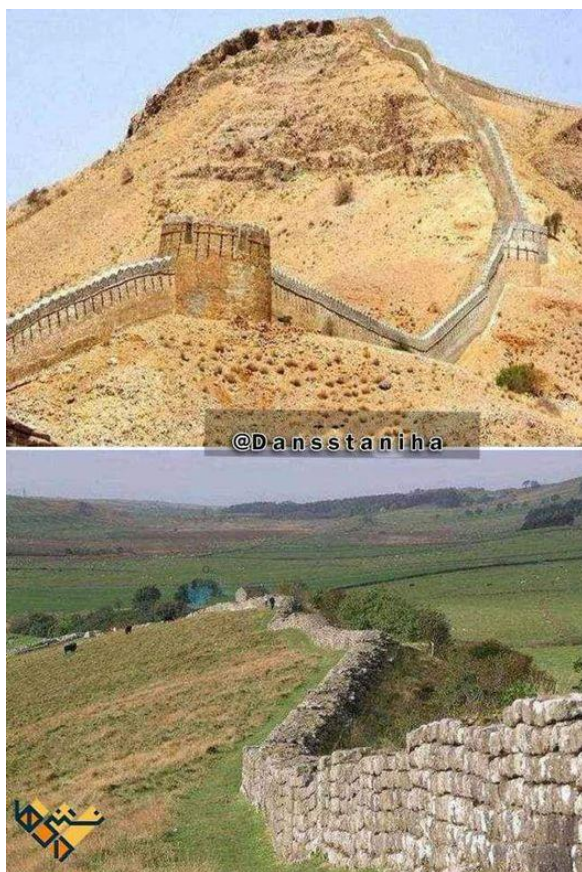
به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، برای کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی ابلاغیه ای از سوی اداره مالیات به مبلغ ۱۲ میلیارد تومان مالیات بر درآمد آمده است که کانون عالی باید پرداخت کند.

یکماه پیش اعضای کانون عالی برای مذاکره نزد خاندوزی وزیر اقتصاد رفته بودند که موضوع مالیات را لغو کنند که خاندوزی با عتاب و خطاب این آقایان را به دنبال پرداخت مالیات فرستاد. با توجه به نرخ مالیات وصولی ۱۷ درصدی، جمع کل درآمد کانون عالی مبلغی در حدود ۷۰ میلیارد تومان است. این مبلغ که از دریافت حق عضویت ۲ میلیون ۵۰۰ هزار نفر بازنشسته دریافت می شود و باید خرج اطلاع رسانی، هزینه های رفاهیات بازنشستگان، هزینه های جاری کانون ها، افزایش سطح بیمه های تکمیلی، احداث فروشگاههای تعاونی مصرف و مسکن، .... بشود که نمی شود حالا با بی عرضگی هیات مدیره کانون ها و کانون عالی به جیب اداره مالیات خواهد رفت.

تنها راه بستن این فساد و بی عرضگی بیرون کردن این جماعت از کانون هاست.



## دومین دیوار بزرگ جهان



اگر از شما بپرسند که بعد از دیوار چین که بزرگترین دیوار جهان است، دومین دیوار بزرگ جهان در کدام کشور واقع شده است؟ شاید ندانید؛ اما برای اطلاع باید بگوییم که این دیوار که به مار سرخ شهرت دارد، در کشور خودمان و در ۹۶ کیلومتری گرگان است. نکته قابل تاملش این جاست که برخی کاربران فضای مجازی هم گفته‌اند که نمی‌دانستند دیوار دفاعی گرگان دومین دیوار بزرگ جهان است و این موضوع را از گردشگران خارجی که برای دیدن ایران آمده‌اند، شنیده‌اند. به همین دلیل امروز می‌خواهیم باهم با دیوار گرگان بیشتر آشنا شویم

### تاریخچه دیوار گرگان

برای باستان شناسان تشخیص این که قدمت دیوار دفاعی گرگان به طول " ۲۰۰ کیلومتر " به چه زمانی بر می‌گردد، مشکل است، زیرا نام مادها، هخامنشی ها، اشکانیان و ساسانیان در میان کتاب‌های کارشناسان به چشم می‌خورد، اما شاید بتوان به طور مبهم تاریخ این دیوار دفاعی را بین سال‌های ۴۲۹ تا ۶۱۵ میلادی در نظر گرفت. بیشتر تاریخ نگاران معتقدند انوشیروان ساسانی این دیوار را بنا نهاده، اما گردیزی (تاریخ نگار ایرانی) در کتاب زین الاخبار آغاز ساخت این بنای تاریخی را به یزدگرد اول و اتمام آن را به انوشیروان نسبت می‌دهد. در برخی از کتاب‌های تاریخی دیگر تعمیر این دیوار را به مازیار فرمانروای طبرستان نیز نسبت می‌دهند. بسیاری از کارشناسان بر این عقیده‌اند که دیوار گرگان و دیوار چین در یک زمان و برای مقابله با هجوم مهاجمانی از قبایل صحرانورد به نام هپتال‌ها از شمال ساخته شده‌اند

**برای رسیدن به خواسته های کارگرمیان به  
سندیکاهای کارگری پیوسته و در راه ایجاد  
سندیکاهای دیگر در واحدهای تولیدی خود با  
همکاری و همفکری برادران سندیکایی دیگر اقدام  
کنیم، تصمیم با ماست!**

## روز پدر در آسایشگاه سالمندان کهریزک کرج

با مذاکرات به عمل آمده با مدیریت روابط عمومی آسایشگاه سالمندان کهریزک کرج در روز ۱۵ بهمن، انجمن کنشگران سالمندی ایران طی تدارکی که از قبل مهیا کرده بودند به همراه «گروه موسیقی همساز» شهر صنعتی البرز قزوین ساعت ۱۰ صبح برای سالمندان این آسایشگاه به اجرای موسیقی پرداختند. گروه شامل ۸ نوازنده و یک خواننده بود که البته در ادامه به همخوانی گروه با سالمندان و دست افشانی و پایکوبی جمعی از سالمندان آسایشگاه منجر شد. فضایی بسیار شاد و خاطره آفرین. در این فضای شاد یکی از سالمندان با واکر خود حرکت می کرد و بارها با دست افشانی خود جمع را مسرور می ساخت. تک خوانی های سالمندان آسایشگاه رنگ شاد دیگری را برای همه حاضرین به ارمغان آورد. پس از یک ساعت و نیم برنامه موسیقی جمع با ۲ تن از دف زنان خانم «گروه موسیقی همساز» به قسمت بانوانی که توان آمدن به محل اجرای موسیقی را نداشتند رفته و با دف نوازی در همه اتاق ها فضایی شاد را رقم زدند. دست افشانی بانوانی که در بستر بودند نشان از سرزندگی در هر شرایطی بود.

با سپاسگزاری از همه عوامل مجموعه آسایشگاه سالمندان کهریزک کرج، اعضای انجمن کنشگری سالمندی در ساعت ۱ بعد از ظهر آسایشگاه را با دلی خوش و انرژی مضاعف ترک کردند.



## ما چه می خواهیم!

انجمن کنشگران سالمندی ایران تلاش دارد دوران سالمندی به روزهای انتظار مرگ نینجامد و به دنبال بستر سازی مواردی است که دوران سالمندی را لذت بخش کند. می توان بعد از ۶۰ سالگی برنامه ای مدون برای حداقل ۲۰ سال دیگر عمر تهیه و اجرایی نمود. لذا با توسل به قوانین و آیین نامه های کشور انجمن قصد دارد موارد زیر را اجرایی کند:

۱- رایگان شدن کلیه خدمات بهداشتی و درمانی از صفر تا صد برای سالمندان بالای ۷۰ سال طبق اصل ۲۹ قانون اساسی

۲- ارتقا سطح خدمات صندوق های بازنشستگی در خصوص درمان و نگهداری سالمندان بازنشسته و متناسب سازی مبلمان شهری جهت تردد آسان سالمندان

۳- اجرا شدن مراقبت از سالمندان بالای ۷۰ سال توسط پرستاران دور دیده توسط صندوق های بازنشستگی، بهزیستی، کمیته امداد و شهرداری ها بصورت رایگان

۴- پیشنهاد ایجاد طب سالمندی و آماده سازی پرستاران مخصوص نگهداری از سالمند به دانشگاه های علوم پزشکی

۵- ساخت و راه اندازی شهرک سالمندان، آرمانشهری جهت زیست جمعی سالمندان که از لحاظ رفاه، امنیت، آرامش و آسایش سالمندان نمونه و منحصر به فرد باشد و طبق آخرین استانداردهای بین المللی و با استفاده از دستاوردهای دیگر کشورها در زمینه سالمندی باشد. نه آنکه به اتاق های انتظار مرگ تبدیل شود، بخشی از اهداف انجمن سالمندان است.

این موارد تحقق نخواهد یافت مگر آنکه خرد جمعی و همکاری همه عزیزان عضو انجمن را در پی داشته باشد. لذا خواهشمندیم در زمینه سالمندی اگر پیشنهاد، مقاله، پژوهش و یا همکاری میدانی می توانید انجام دهید به انجمن خبر دهید.

کمک مالی و تبلیغ اهداف انجمن سالمندی و عضوگیری از وظایف همیشگی همه اعضای انجمن می باشد.

با آرزوی موفقیت انجمن کنشگران سالمندی ایران

## جوشکاری و مضرات آن!

رشته جوشکاری آرگون در کنار مزایای خود مضراتی نیز به همراه دارد. عوارض جوشکاری آرگون برای انسان کم نیستند و خطر جوشکاری آرگون سبب شده در برخی نقاط جهان انجام آن را با روش های دیگر جایگزین نمایند. گازهای ایجاد شده حین عملیات جوش بسیار مضر و سمی بوده و می تواند به سیستم تنفسی انسان صدمات جدی وارد آورد. از دیگر خطرات جوشکاری آرگون می توان آسیب آن به اندام های جنسی را نام برد. اشعه مادون قرمز که حین فرایند جوشکاری آرگون به وجود می آید فراتر از تحمل بدن انسان بوده و کاهش توان جنسی، عوارض پوستی و پیری زودرس برخی از ضررهای جوشکاری آرگون هستند. در جزوه های راهنمای جوشکاری آرگون به برخی از عوارض جوشکاری آرگون اشاره شده و توصیه هایی برای مقابله با ضرر جوشکاری آرگون آمده است. پوشیدن لباس جوشکاری آرگون و استفاده از ماسک جوشکاری آرگون به کاهش عوارض جوشکاری آرگون کمک می نماید. عوارض جوشکاری (TIG) آرگون بر روی انسان

### ۱. اثرات طولانی مدت جوشکاری آرگون:

مشکلات ریوی، حنجره و مجاری ادراری بخصوص در کار با بخار مواد خطرناکی مثل کادمیوم، نیکل، بریلیوم، کروم و آرسنیک که در دود جوشکاری با مواد فوق موجود است. مشکلات مزمن تنفسی مثل برونشیت، آسم، التهاب ریه ها، کاهش حجم ریه ها، رسوب غبار یا سیلیس یا اکسید آهن در ریه ها و مشکلات قلبی، پوستی، کاهش شنوایی و مشکلات گوارشی مثل التهاب مزمن معده و روده ها و زخم معده و اثنی عشر و صدمات کلیوی از دیگر عوارض طولانی مدت جوشکاری است. در بعضی جوشکاری ها احتمال سقط جنین و تاخیر در حاملگی در همسران جوشکارها بیشتر است که احتمالاً به دلایل زیر است:

فلزاتی مثل آلومینیوم، کادمیوم، نیکل، کروم، آهن، منگنز، مس، گازهای مثل ازون، گازهای نیتروژن دار، گرما، رادیوگرافی (برای چک کردن درزها)

جوشکاری با آزیست برای عایق کردن و پوشاندن سطوح با آزیست باعث رسوب آزیست در ریه ها و افزایش احتمال سرطان ریه و پرده جنب می شود. به همین علت برای جوشکاری نزدیک سطوح آزیست دار باید کلیه جوانب ایمنی مثل ماسک مخصوص رعایت شوند

## کودک همسری!



طبق آمار رسمی سازمان ثبت احوال ایران، از ۳۰ اسفند ۹۹ تا ۱۶ مهر ۱۴۰۰، ۷۹۱ کودک از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله متولد شده‌اند. تنها در استان سیستان و بلوچستان ۱۲۷ پسر و ۱۲۱ دختر، از مادران ۱۰ تا ۱۴ ساله طی سال جاری متولد شده‌اند. ازدواج و بارداری کودکان دختر در ایران، تنها محدود به چند شهر و روستا نمی‌باشد. تشدید فقر و فشارهای اقتصادی و همچنین فرهنگ به شدت پدرسالار حاکم بر جامعه؛ از یک طرف و قوانین ضد زن، تبلیغات و فرهنگ سازی حکومتی در جهت طرح ازدیاد جمعیت و خانه نشین کردن زنان، از سوی دیگر، مهمترین عوامل بالا رفتن آمار کودک همسری و کودک مادری هستند. در نظام زن ستیز جمهوری اسلامی، کودک همسری، خشونت آشکار و سیستماتیک علیه زنان، برای به بردگی کشیدن و استفاده از بدن آنان به عنوان ماشین جوجه کشی، در ابعاد گسترده ای اعمال می‌شود. کودکان دختر از آسیب پذیرترین قربانیان این نظام مردسالار هستند! گذار از نظام زن ستیز جمهوری اسلامی، اولین گام برای محو کودک همسری و کودک مادری است!

## مرگ عروس کوچولوها

عاقده گفت عروس خانوم وکیلیم؟

گفتند عروس رفته گل بچینه. دوباره پرسید وکیلیم عروس خانوم؟

- عروس رفته گلاب بیاره.

عاقده گفت برای بار سوم می پرسم؛ عروس خانم. وکیلیم؟

عروس رفته...

عروس رفته بود.

پچ پچ افتاد بین مهمانها. شیرین سیزده سالش بود؛ وراج و پر هیجان. بلند بلند حرف می زد و غش غش می خندید. هر روز سر دیوار و بالای درخت پیدایش می کردند. پدرش هم صلاح دید زودتر شوهرش دهد.

داماد بد دل و غیرتی بود و گفته بود پرده بکشند دور عروس. شیرین هم از شلوغی استفاده کرده بود و چهار دست و پا از زیر پای خاله خانانجی ها که داشتند قند می سابیدند، زده بود به چاک.

مهمانی بهم ریخت. هر کس از يك طرف دوید دنبال عروس. مهمانها ریختند توی کوچه.

شیرین را روی پشت بام همسایه پیدا کردند. لای طناب های رخت. پدرش کشان کشان برگرداندش سر سفره عقد. گفتند پرده بی پرده! نامرماها را رفتند بیرون. کمال مچ شیرین را سفت نگه داشت.

عاقده گفت استغفراله! برای بار دهم می پرسم. وکیلیم؟

پدر چشم غره رفت و مادر پهلوی شیرین يك نیشگون ریز گرفت. عروس با صدای بلند بله را گفت و لگد زد زیر آینه. زن ها کل کشیدند و مردها بهم تبریک گفتند. کمال زیر لب غرید که آدمت می کنم جووووجه و خیره شد به تصویر خودش در آینه شکسته.

فردای عروسی شیرین را سر درخت توت پیدا کردند. کمال داد درخت های حیاط را بریدند. سر دیوارها هم بطری شکسته گذاشتند. به درها هم قفل زدند. اسم عروس را هم عوض کردند. کمال گفت چه معنی دارد که اسم زن آدم شیرینی و شکلات باشد.

شیرین شد زهره.

زهره تمرین کرد یواش حرف بزند. کمال گفت چه معنی دارد زن اصلا حرف بزند؟ فقط در صورت لزوم! آنهم طوری که دهانت تکان نخورد. طوری هم راه برو که دستهایت جلو و عقب نرود. به اطراف هم نگاه نکن، فقط خیره به پایین یا روبرو.

زهره شد يك آدم آهنی تمام و عیار. فامیل ها گفتند این زهره يك مرضی چیزی گرفته. آن از حرف زدنش، آن از راه رفتنش. کمال نگران شد. زهره را بردند دکتر. دکتر گفت يك اختلال نادر روانی است. همه گفتند از روز عروسی معلوم بود يك مرگش می شود. الان خودش را نشان داده .

بستریش که کردند، کمال طلاقش داد.

خواهرها گفتند دلت نگیره برادر!

زهره قسمت نبود. برایت يك دختر چهارده ساله پسندیده ایم به نام شربت

**لیلا سادات اصل**



در جهان سرمایه داری جنگ یک صنعت است، چطور می توان انتظار صلح داشت؟؟



جنگ های دوره ای یکی از تضادهای غیرقابل حل این سیستم است. ماشین این سیستم به طور مکرر راه اندازی چنین جنگ هایی را ایجاب می کند و این برای تداوم سیستم، گسترش و استحکام آن ضروری است.

## بدانیم، بیاموزیم، بکار ببندیم !

### ریاضت اقتصادی :

این اصطلاح را نظریه پردازان سیستم سرمایه داری برای این ساخته اند تا از بحرانی که به علت سودجویی بیرحمانه از زحمتکشان جامعه را فراگرفته خلاصی پیدا کنند.

سرمایه داری میگوید: با کاهش بودجه آموزش و پرورش، بهداشت، ورزش، محیط زیست، شهرداری ها و دستمزد کارگران می توان بحران اقتصادی را مهار کرد. یعنی دیگر بیمارستان، آموزش و پرورش، ورزش، محیط زیست، شهرداری ها پولی خواهند شد. اگر پول داری می توانی به بهترین بیمارستانها و پزشکان مراجعه کنی، اگر نه آزادی تا بمیری. اگر پول نداری فرزندت را روانه مدرسه های خصوصی شده بفرستی، آزادی فرزندت را به کارگاهها و خیابان برای کار بفرستی. اگر پول نداری ورزش نکن. اگر پول نداری میتوانی در زباله دانی روزگار بگذرانی. به هر حال بودجه ای که باید دولت برای رفاه حال تو خرج بیمارستان و مدارس دولتی کند و خرج توسعه ورزش کند و محیط زیست را تمیز نگهدارد که تو مریض نشوی را به آقایان سرمایه دار خواهد داد. تا شاید سودشان کمتر از سال گذشته نشود و همچنان سود های باد آورده را افزایش دهند.

ریاضت اقتصادی یعنی "ای زحمتکشان! کمتر دستمزد بگیرید، کمتر بخورید. بهداشت و درس و مدرسه و خیابانهای تمیز می خواهی چکار؟ تو ارزش استفاده از ثروت ملی که متعلق به توست را نداری و بهتر است این ثروت در دستان کسانی باقی بماند که بتوانند زندگی های افسانه ای داشته باشند."

## یقین حسی، امر بیواسطه و کشف معنای هستی

محتواهای ساده ای در دسترس ما هستند؛

ما بر اساس حواس پنجگانه مان و بیواسطه، کشفی از معنای امور اطراف مان کسب می کنیم. این گوشی تلفن همراه، بیواسطه و به کشف حسی ام در دستام است. من به این امر بیواسطه، واقف و درکی مستقیم از معنای این هستی دارم.

فلان رسانه ی اپوزیسیون گفت که ۳۵ اسرائیلی سامانه های دفاع موشکی را از پایتخت تا اطرافش رسد کرده است؛ من به تمام معانی، هیچ فهم اصیلی از این مزخرف ناکارآمد ندارم؛ حتا از رویاهای جهان گشایانه ی دیکتاتور نعلین به پای کشورم! هیچ ضابطه و محدودیتی را بر نمی تابم، من بیواسطه، نان و کار و رفاه نسبی می خواهم؛ پس "دیکتاتور" هم نمی بایست باشد!

هیچ دیسپیرین بلند مدتی هم پاسخ "نیازهای مادی" ام نیست؛

اصلاحات و کشک، قانون، حقوق بشر و هر از این دست، واسطه مند اند به "روحانی" و "رئوسی" و هزار تعفن دیگر؛

نان: مستقیم و بیواسطه و با مراجعه به یقین حسی برای من و اطرافیانم، اولویت است! دشنه ی سلاخی # فرشید هکی به "دلارا" های ما فرود آمد

و # اسماعیل بخشی برای نان تاوان می دهد.

امر بیواسطه، یقین حسی و معنای هستی ما

چنین است، رفقا!

ش.ص.زاهدی

فقط همین...

## وظیفه سندیکاهای کارگری

در حالیکه جنبش کارگری و فعالان کارگری کشور از همه سو مورد تعرض سیستم سرمایه داری موجود هستند، مبارزه سازمان یافته و هماهنگ در سراسر کشور می تواند حرکت جنبش کارگری را وسعت بدهد.

تنها با مبارزه سازمان یافته، هماهنگ و با شعارهای مشخص است که می توان سرمایه داری داخلی را به عقب نشینی وادار کرد. طبقه کارگر ایران یکبار در دهه ۱۳۶۰ با وجود جو سرکوب شدید، و با اتکا به سندیکاهای کارگری توانست دولت و وزیر وقت کارش، احمد توکلی را با شکست رو به رو کند.

باید مبارزه بر ضد برنامه های ضد کارگری صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی را هر چه گسترده تر کرد. بی تردید مبارزه علیه برنامه های نئولیبرالیستی دولت از جمله ارزان سازی نیروی کار، نابودی سازمان تامین اجتماعی و زیر پا گذاشتن قوانین کاری که به نفع کارگران است، بخش جدا ناپذیری از مبارزه طبقه کارگر ایران برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری نیز می باشد.

### امنیت چیست؟

امنیت تنها به معنی عدم جنگ در کشور نیست، امنیت حقیقی یعنی تمام افراد جامعه بدون توجه به نژاد، دین، طبقه جنسیت و پایگاه اجتماعی از حقوق یکسان برای رشد برخوردار باشند.

نلسون ماندلا

زندگی مزرعه صلح و صفاست؛

چشمه خوبی هاست؛

دانه ای گر بنشانی در خاک؛

حاصلش خرمنی از مهر و وفاست؛

عشق باید ورزید؛

مهر باید افشاند

زیستن با مردم؛

مهربانی است به خود؛

این پیامی است؛

که در قلب تو ره می یابد؛

مردمی باید بود

مرد می باید زیست؛

مرد می باید ماند .

## منشور حقوق سندیکایی جهانی

کارگران حق دارند سندیکاهای کارگری تشکیل دهند ، به سندیکای موجود بپیوندند بی آنکه اجازه یا نظارت مقامات دولتی یا کارفرمایان لازم باشد ، در هر فعالیت سندیکایی شرکت کنند.

کارگران حق دارند در محل کار خود و یا در هر جای دیگر گرد هم آیند ، به مذاکره بنشینند و عقاید خود را در خصوص تمام مسائلی که به آنان مربوط است آزادانه ابراز دارند.

کارگران حق دارند نشریات مورد نظر خود را بخوانند ، نشریه های سندیکایی و کارگری را پخش کنند و به تبلیغ برای سندیکاها بپردازند.

کارگران حق دارند در دفاع از منافع خود ، در هر عمل مشترک اعم از اعتصاب ، تظاهرات یا دیگر فعالیتهای سندیکایی شرکت کنند.



من گریبان سرنوشت را خواهم گرفت!!!

او نمی تواند سر مرا به زیر آورد!



کارگران محکوم به زندگی زیر خط فقر، عدم بهداشت، اجاره نشینی، مدارس بی کیفیت، گرانی، بیکاری، شلاق، زندان و مرگ در سیستم سرمایه داری هستند. در سندیکاهای کارگری متحد شویم و این ظلم را از چهره زندگیمان پاک کنیم.